نمودهايي از « توصيه ها و كاركردهاي اخلاقي » پيامبر اعظم ( صلّي الله عليه وآله ) در حج

سيد حسين شفيعي

مقدّمه :

اگرچه از ديرباز ، با تلاش جمعي از محققان صاحب نام و گروهي از نويسندگان پرآوازه ؛ كتاب ها ، رساله ها ، و مقالات فراواني در زمينه « حجّ » نگاشته شده ، ( 1 ) ليكن بيشتر آن ها ناظر به ابعاد فقهي ، عبادي و فردي اين فريضه عظيم الهي است . ( 2 ) كمتر پژوهشگر و نويسنده اي را مي توان يافت كه در پژوهش و نوشته هايش به ابعاد سياسي ، اقتصادي ، اخلاقي و اجتماعي اين عمل ارزشمند معنوي توجّه كرده باشد . بروز اين كوتاهي و بي توجّهي ( و شايد هم غفلت ) از سوي برخي از نويسندگان ، موجب شد تا توجه بيشتر شركت كنندگان در كنگره عظيم « حجّ » ، محدود و معطوف به بُعد فردي و فقهي آن گردد و از پرداختن به ديگر ابعاد آن ، غافل ، بلكه بيگانه باشند .

نكته قابل توجه اين است كه از بررسي پاره اي از متون و منابع نگارش يافته در باب « حجّ » ، چنين برمي آيد كه بُعد اخلاقي اين فريضه والاي آسماني ، بيش از ديگر ابعادش مورد غفلت و بي توجّهي محققان و نويسندگان قرار گرفته است ؛ در حالي كه به يقين ، توجّه به جنبه هاي اخلاقي اين سفر الهي و معنوي ، موجب پُربار شدن معنويات برآمده از آن خواهد شد .

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . تنها در « كتابنامه حج » ، تأليف شيخ محمد حسن بكائي ( چاپ اول ، زمستان 1374ش ) از 1355 كتاب مربوطه ياد شده است .

2 . مرحوم شيخ آقا بزرگ تهراني ، در كتاب « الذريعة إلي تصانيف الشّيعة » ج6 ، صص 254 ـ 249 از چهل و سه كتاب نگارش يافته در باب احكام ، آداب و اعمال حج ياد مي كند و در ج22 همين كتاب ، صص276 ـ 253 نيز يكصد و شصت و هفت جلد مناسك حج از علما و فقهاء را نام برده است . البته در ساير مجلّدات هم ، كتاب هاي ديگري را ثبت كرده است . ( مراجعه شود به : ج22 ، ص274 )

37

بررسي سنّت گفتاري و رفتاري پيامبر اعظم ( صلّي الله عليه وآله ) در زمينه « حجّ » ، حكايت از آن دارد كه آن بزرگوار ، ضمن اهميت دادن به بُعد فقهي « حجّ » و كوشش فراوان در جهت آموزش مناسك آن به مسلمانان ، ( 1 ) از توجه دادن آنان به ديگر ابعاد حج ، بهويژه بُعد اخلاقي آن ، دريغ نورزيد .

آن حضرت ، از سويي در طول اين سفر ـ همچون ديگر لحظات زندگيش ـ خود عامل به فضايل اخلاقي بوده و از ديگر سوي ، با لحاظ فرصت هاي مناسب ، بارها از سالكان اين سفر معنوي خواست تا به اصول و فضايل اخلاقي پايبند باشند و از هر چيزي كه از رذايل اخلاقي محسوب مي گردد ، پرهيز نمايند ؛ تنها در خطبه اي كه در جريان « حَجّة الوداع » در صحراي عرفات ايراد نمود ، رعايت امور اخلاقي ذيل را به مسلمانان توصيه كرد : ( 2 )

\* اخلاص در عمل و پرهيز از ريا .

\* حفظ و اداي امانت .

\* پرهيز از سنت هاي جاهلي ( مانند تعصّب هاي نابه جا ، اعمال بغض و كينه توزي و . . . ) .

\* ناديده گرفتن برتري هاي كاذب نژادي و قبيله اي .

\* برخورد شايسته با زيردستان و رعايت حقوق آنان ( بهويژه بانوان ) .

\* حفظ وحدت ، اخوّت و همدلي مؤمنان با يكديگر .

\* دوري جستن از خيانت به ديگران و غيبت و . . . ( 3 )

اكنون ما ، در اين نوشتار كوتاه ، تنها پاره اي از توصيه ها و كاركردهاي اخلاقي پيامبر اعظم ( صلّي الله عليه وآله ) در سفر معنوي حج را به بحث و بررسي گذاشته ايم ، به اميد آن كه توانسته باشيم ره توشه اي را براي راهيان كوي دوست فراهم آوريم ؛ إن شاءالله

1 ـ اخلاص ( = پرهيز از ريا )

از برترين مصاديق فضايل اخلاقي ، خصلت والاي « اخلاص » است . در اهميت اخلاص همين بس كه معيار و ملاك عبادي بودن افعال بندگان قلمداد گرديده است .

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . محمدي ري شهري ، محمد ، « الحجّ والعمرة في الكتاب والسنّة » ، صص223 ـ 221 ؛ شماره 679 و 681 ـ 683 ، چاپ چهارم ، 1384ش ، دارالحديث للطّباعة والنشر ، قم .

2 . متن اين خطبه ، در كتاب « حج الأنبياء والأئمه » ، حيدر خزرجي ، صص145 ـ 138 ( چاپ اول ، محرم 1416ق . نشر مشعر ، از منابع حديثي گوناگون شيعه و اهل سنت نقل گرديده است .

3 . آية الله جوادي آملي ، در كتاب « جرعه اي از بيكران زمزم » ( ترجمه و تحقيق علي حجّتي كرماني ) ، چاپ اول ، 1371 ، صص177 ـ 171 به شرح ده نكته مهم برگرفته از اين خطبه پرداخته است .

38

علي ( عليه السلام ) فرمود : « الإخلاص ملاك العبادة » ؛ ( 1 ) « اخلاص ، معيار و ملاك عبادت است » .

به سخن ديگر ؛ قبولي هر عمل قربي بندگان الهي ، مشروط به برخورداري آن ، از خصلت زيباي « اخلاص » است .

پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) مي فرمايد : « إذا عملت عملاً فاعمل لله خالصاً لأنّه لا يقبل من عباده الأعمال إلاّ ما كان خالصاً » ؛ ( 2 ) « هرگاه كاري كردي ، آن را تنها براي خدا انجام ده ؛ زيرا او ، تنها اعمال خالص بندگانش را مي پذيرد . »

بي ترديد ، فريضه ارزشمندِ حج ، از اين قاعده مستثني نيست ؛ بلكه مي توان گفت : وابستگي آن به اخلاص ، امري اجتناب ناپذير است ؛ زيرا هدف غايي در اين سفر ، راه يافتن به محضر پروردگار و مشاهده جمال محبوب است .

امام سجّاد ( عليه السلام ) ، به وقت ملاقات با « شبلي » ( 3 ) از وي پرسيد : « فَحِينَ وَصَلْتَ مَكَّةَ نَوَيْتَ بِقَلْبِكَ أَنَّكَ قَصَدْتَ اللَّهَ ؟ قَالَ : لاَ ، قَالَ ( عليه السلام ) : فَمَا دَخَلْتَ الْحَرَمَ وَلاَ رَأَيْتَ الْكَعْبَةَ وَلاَ صَلَّيْتَ .

ثُمَّ قَالَ : طُفْتَ بِالْبَيْتِ وَمَسِسْتَ الاَْرْكَانَ وَسَعَيْتَ ؟ قَالَ : نَعَمْ . قَالَ ( عليه السلام ) : فَحِينَ سَعَيْتَ ، نَوَيْتَ أَنَّكَ هَرَبْتَ إِلَي اللَّهِ » ؛ ( 4 )

« آن گاه كه به مكه رسيدي با قلب خود نيّت خدا را داشتي ؟ . . . آيا وقتي به سعي پرداختي ، بر آن بودي كه به سوي خدا بگريزي ؟ »

امام خميني ( قدس سره ) نيز ـ با الهام از اين گونه گفتار ائمّه ( عليهم السلام ) ـ فرمود :

« لبيك هاي مكرر از كساني حقيقت دارد كه نداي حق را به گوش جان شنيده و به دعوت الله تعالي به اسم جامع ( 5 ) جواب مي دهند . مسأله ، مسأله حضور در محضر است و مشاهده جمال محبوب . گويي گوينده از خود در اين محضر بي خود شده و جواب دعوت را تكرار مي كند . و دنباله آن سلب شريك به معناي مطلق ( 6 ) آن مي نمايد ، كه اهل الله مي دانند ، نه شريك در الوهيت فقط . . . » ( 7 )

در گفتار ديگري فرمود :

« مهم آن است كه حاج بداند كه كجا مي رود و دعوت كي را اجابت مي كند و ميهمان كيست ، و آداب اين ميهماني چيست ؛ و بداند هر خودخواهي و خودبيني با خداخواهي مخالف است و با هجرت الي الله مباين و موجب نقص معنويت حج است . » ( 8 )

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . مديرشانه چي ، كاظم ، الحِكم من كلام أميرالمؤمنين ( عليه السلام ) ، ج1 ، ص71 ، ش608 ، چاپ اول ، 1417ق . بنياد پژوهش هاي اسلامي آستان قدس رضوي ، مشهد .

2 . مجلسي ، محمدباقر ، بحارالأنوار ، ج74 ، ص103 ، چاپ دوم ، 1403ق . مؤسسة الوفاء ، بيروت ، لبنان .

3 . جهت توضيح بيشتر مراجعه شود به : جوادي آملي ، عبدالله ، صهباي حج ، ص344 ، چاپ سوم ، خرداد 1381 ، نشر اسراء ، قم ؛ محمدي ري شهري ، محمد ، الحج والعمرة في الكتاب والسنة ، ص240 ، چاپ چهارم ، 1384 ، دارالحديث للطباعة والنشر ، قم .

4 . محمدي ري شهري ، محمد ، الحج والعمرة في الكتاب والسنة ، ص237 ، چاپ چهارم ، 1384 ، دارالحديث للطباعة والنشر ، قم .

5 . اسم جامع الهي ، « الله » است كه در تلبيه ( لبيك گفتن حاجيان ) مكرر بر زبان جاري مي شود .

6 . همان گونه كه توحيد بر سه قسم است : توحيد ذاتي ، توحيد صفاتي و توحيد افعالي . در قبال هر يك از آن ها شرك قرار دارد يعني : شرك ذاتي ، شرك صفاتي و شرك افعالي و منظور از شرك به معناي مطلق آن ، هر سه قسم شرك است .

7 . موسوي خميني ، سيد روح الله ، صحيفه نور ، ج19 ، ص42

8 . همان ، ص199

39

به يقين ، دست يابي و حضور در چنين جايگاهي ، بدون اخلاص ممكن نخواهد بود . مرحوم آيت الله ميرزا مهدي الهي قمشه اي ( 1 ) در اين راستا اين گونه سروده است :

اي دل اگر عزم ديار يار داري \* \* \* قصد حجاز و كعبه و ديدار داري

شوق شهود حضرت دلدار داري \* \* \* اوّل ز دل نفس سوي الله پاك گردان ( 2 )

استاد فرزانه ، آية الله جوادي آملي نيز فرمود :

« تجلّي اين خلوص در برخي از عبادات نمايان تر و طرد شرك در برخي ديگر قوي تر و آشكارتر است . از جمله اين عبادات ، حج مي باشد ؛ زيرا توحيد در آن تجسّم مي يابد و از آغاز تا انجام نمونه اي است براي توحيد و طرد شرك . . . از مولاي ما امام صادق ( عليه السلام ) در دعاي سفر حج ، روايت شده است ، پس از اداي كلمات فرج فرمود : بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ . . . فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَبِكَ وَلَكَ . » ( 3 )

سپس فرمود :

« كسي كه آگاه است و به زبان دعا احاطه دارد ، تفاوت ميان فرمايش آن حضرت كه فرمود : « فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَبِكَ وَلَكَ » را با ديگر ادعيه و اوراد ، به خوبي درمي يابد . چون مهم در اين جا ذات خداي تعالي است و لقاي اوست ، نه اسمي از اسماي حُسناي حضرتش .

حج ، سير به سوي خدا و رفتن براي ديدار او و تعالي است براي نزديكي به آن ، كه در علوّ و والايي نزديك و در نزديكي اش بس والا و بالا است و تكامل به جوار كسي است كه از رگ گردن به ما نزديك تر است و بنده جز با توحيد دايم و ناب و طرد شرك جلي و خفي به مولايش تقرّب نمي جويد . » ( 4 )

ناگفته نماند : كسب « اخلاص » به وقت انجام اعمال عبادي ـ به خصوص فريضه حج ـ و حفظ آن از آلوده شدن به ريا و خودنمايي ، كاري بس سخت و دشوار است . اميرمؤمنان ( عليه السلام ) مي فرمايد : « تَصْفِيَةُ الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ وَتَخْلِيصُ النِّيَّةِ عَنِ الْفَسَادِ أَشَدُّ عَلَي الْعَامِلِينَ مِنْ طُولِ الْجِهَادِ » ؛ ( 5 ) « خالص ساختن عمل سخت تر از خود عمل است و پاك كردن نيت از فساد و ناخالصي براي عمل كنندگان از جهادِ طولاني دشوارتر است . »

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . علامه حسن زاده آملي ، در توصيف مرحوم الهي قمشه اي چنين گفته است : مرحوم استاد الهي قمشه اي يكي از نوادر روزگار بود به ارتحال خود دل اهل الله را سوگوار كرد . . . الهي سحري بود ، الهي شب با ستارگان گفتگو داشت ، الهي را مناجات هاي آتش سوز است ، الهي گريه ها داشت ، الهي عالم رباني بود الهي اهل ايقان بود ، الهي مفسّر قرآن بود ، الهي سوز و گداز داشت ، الهي راز و نياز داشت ، الهي مراقب بود ، الهي عارف بود ، الهي عارف بود ، الهي عاشق بود ، الهي مهربان بود و حسن زاده را آرام جان بود ، الهي محبّ خالص پيغمبر و آل پيغمبر بود ، الهي صاحب تأليفات بود ، الهي نغمه حسيني بسرود ، الهي تربيت شده آقابزرگ حكيم و عارف يزدي بود ، الهي الهي بود ( نامه ها بر نامه ها ، صص109 و 110 ، چاپ اول ، 1373ش ، انتشارات قيام ، قم )

2 . رهبر ، محمدتقي ، اخلاق و آداب در حج و زيارت ، ص29 ، چاپ اول ، پاييز 1377 ، نشر مشعر ، تهران .

3 . حرّ عاملي ، محمد بن حسن ، وسايل الشيعه ، ج8 ، ص279 ، چاپ دوم ، 1386ق . مكتبة الإسلامية ، تهران .

4 . جوادي آملي ، عبدالله ، جرعه اي از بيكران زمزم ( ترجمه و تحقيق علي حجتي كرماني ) ، ص98 و ص99 ، چاپ اول ، 1371ش

5 . مجلسي ، محمدباقر ، بحارالأنوار ، ج74 ، ص284 ، چاپ دوم ، 1403ق . مؤسسة الوفاء ، بيروت ، لبنان .

40

البته دشواري كسب اخلاص در سفر حج و ديگر اعمال عبادي موجب نمي شود كه ما در پي تحصيل آن نباشيم ، بلكه مي بايست با تلاشي مضاعف در اين راستا حركت كنيم و پس از شناسايي آفت ها به مقابله جدّي با آن ها برخيزيم ؛ زيرا همان گونه كه پيشتر اشاره شد ، اعمال غير مخلصانه مورد قبول درگاه خداوند قرار نخواهد گرفت .

امام صادق ( عليه السلام ) مي فرمايد : « قَالَ اللَّهُ ـ عَزَّ وَجَلَّ ـ أَنَا خَيْرُ شَرِيك ، مَنْ أَشْرَكَ مَعِي غَيْرِي فِي عَمَل عَمِلَهُ لَمْ أَقْبَلْهُ » ؛ ( 1 ) « خداوند متعال فرموده است : من بهترين شريك هستم ، هركس در عمل خود براي من شريك بياورد ، هرگز آن را نمي پذيرم . . . . »

پيامبر اعظم ( صلّي الله عليه وآله ) ، افزون بر توصيه حج گزاران به كسب اخلاص و دوري از ريا و خودنمايي ، خود نيز در پي تحصيل اين خصلت نيكو بود و مأموريت يافت كه به مردم اعلام كند : « إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ » ؛ ( 2 ) « من مأمور شده ام كه خدا را بپرستم و براي او دين را خالص گردانم . »

لبيك هاي مكرر از كساني حقيقت دارد كه نداي حق را به گوش جان شنيده و به دعوت الله تعالي به اسم جامع جواب مي دهند . مسأله ، مسأله حضور در محضر است و مشاهده جمال محبوب

انس بن مالك مي گويد : « پيامبر گرامي ( صلّي الله عليه وآله ) ، پس از تهيه ابزار و وسايل مورد نياز و تهيه حوله اي كه قيمت آن چهار درهم يا كمتر از آن بوده ، آماده حركت براي سفر حج شد ؛ در آن هنگام روبه درگاه خداوند نموده ، چنين گفت :

« اللّهُمّ حَجَّةً لاَ رِيَاءَ فِيهَا وَلاَ سُمْعَةَ » . . . » ؛ ( 3 ) « خدايا ! حجّي را انجام مي دهم كه از خودنمايي و كسب عنوان و اعتبار دور است . » متأسفانه ، هرچه بر عمر حج و تاريخ اسلام مي گذرد ، شاهد دور شدن و فاصله گرفتن جمع زيادي از حج گزاران از اين سيره نبوي مي شويم ؛ اين است كه مي بينيم پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) با علم و آگاهي دقيق از نيت و باطن اين گروه از راهيان به ديار كعبه و حرم ، فرمود :

« يَأْتِي عَلَي النّاسِ زَمانٌ يُحِجّ أَغْنِيَاءِ أُمَّتِي لِلنُّزْهَةِ ، أَوْسَاطُهَا لِلتِّجَارَةِ ، فُقَرَاؤُهُمْ لِلرِّيَاءِ وَالسُّمْعَةِ » . ( 4 )

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . محمدي ري شهري ، محمد ، منتخب ميزان الحكمة ، ج1 ، ص320 ، ش1883 ، ترجمه حميدرضا شيخي ، چاپ سوم ، 1383 ، سازمان چاپ و نشر دارالحديث ، قم .

2 . زمر : 11

3 . ري شهري ، محمد ، الحجّ والعمرة في الكتاب والسنّة ، ص220 ، چاپ چهارم ، 1384ق . دارالحديث للطّباعة والنشر ، قم .

4 . همان .

41

« زماني مي رسد كه ثروتمندان امّت من براي تفريح به حج مي روند ، و مردم عادي براي تجارت ، و قاريان آن ها براي خودنمايي و كسب عنوان و اعتبار ، و فقراي امت من براي تكدّي و گدايي به حج مشرف مي شوند » .

سلمان فارسي از شنيدن اين جملات تعجب مي كرد ، ولي هر جمله اي كه سبب تعجّب وي مي شد ، پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) مي فرمود : « سوگند به خدايي كه جان من در دست اوست ، اين حوادث در آينده واقع خواهد شد . » ( 1 )

امام صادق ( عليه السلام ) نيز در اين باره فرمود :

« الْحَجُّ حَجَّانِ ، حَجٌّ لِلَّهِ وَحَجٌّ لِلنَّاسِ ، فَمَنْ حَجَّ لِلَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَي اللَّهِ الْجَنَّةَ وَمَنْ حَجَّ لِلنَّاسِ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَي النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ » . ( 2 )

« حج دو گونه است ؛ براي خدا و براي مردم ، هركه براي خدا حج كند ، پاداش او بهشت است و هركه براي مردم به حج رود ، در قيامت پاداش خود را بايد از مردم بگيرد . ( كنايه از اين كه پاداشي نصيب وي نخواهد شد . »

در هر حال ، اگر با انجام حج ، دنبال ثواب و پاداش الهي و طالب غفران و آمرزش پروردگار كريم هستيم ، بايد اخلاص را سرلوحه كار خويش قرار دهيم . امام سجّاد ( عليه السلام ) در اين باره مي فرمايد :

« مَنْ حَجَّ يُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ ـ عَزَّ وَجَلَّ ـ لاَيُرِيدُ بِهِ رِيَاءً وَلاَ سُمْعَةً غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الْبَتَّةَ » . ( 3 )

« كسي كه در حج ، هدفي جز خدا نداشته باشد و در فكر ديدن و شنيدن و ستايش مردم نباشد ، حتماً خداوند او را مي بخشد . »

شايسته است براي دستيابي به خوي شايسته اخلاص ، رو به درگاه خدا آوريم و بگوييم :

« اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي مِنَ الشِّرْكِ ، وَعَمَلِي مِنَ الرِّيَاءِ وَلِسَانِي مِنَ الْكَذِبِ وَوَ عَيْنِي مِنَ الْخِيَانَةِ » .

« خدايا ! قلبم را از توجه و تكيه بر غير خودت ، و عملم را از ريا ، و زبانم را از دروغ و چشمم را از نگاه هاي ناپاك و خيانت بار حفظ فرما ! » ( 4 )

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . قرائتي ، محسن ، حج ، صص37 و 38 ، چاپ 1365 ، دفتر انتشارات اسلامي قم ( به نقل از تفسير الميزان ، ج5 ، ص434 ) .

2 . حرّ عاملي ، محمد بن الحسن ، وسايل الشيعه ، ج8 ، ص76 ، چاپ دوم ، 1386ق . مكتبة الاسلامية ، تهران .

3 . قرائتي ، محسن ، حج ، ص38 ، ( وافي ، ج2 ، ص47 ) ، چاپ 1365 ، دفتر انتشارات اسلامي قم .

4 . قمي ، شيخ عباس ، مفاتيح الجنان ، ص404 ، دعاء پس از دعاء ابوحمزه ثمالي .

42

2 ـ « توبه » و بازگشت از گناه

از جمله اعمال صالحي كه در آيات و رواياتِ فراوان ، توصيه و ترغيب به انجام آن شده ، « توبه » و بازگشت از گناه است . پروردگار كريم ، در قرآن كريمش وعده داد كه توبه كنندگان را مي پذيرد و از گناهانشان مي گذرد ، ( 1 ) و آنان را دوست دارد و به آنان مهر ميورزد . ( 2 ) پيامبر اسلام ( صلّي الله عليه وآله ) نيز از خشنودي خداوند از توبه كنندگان خبر داد و فرمود :

« وَلَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَي اللَّهِ مِنْ مُؤْمِن تَائِب أَوْ مُؤْمِنَة تَائِبَة » . ( 3 )

« نزد خداوند چيزي محبوب تر از مرد يا زن مؤمن توبه گر نيست . »

امام صادق ( عليه السلام ) نيز فرموده است : « خداوند به داوود پيامبر ـ كه بر پيامبر ما و خاندانش و بر او درود باد ! ـ وحي فرستاد : اي داوود ، هرگاه بنده مؤمن من گناهي كند و سپس از آن گناه برگشته ، توبه نمايد و به هنگام ياد كردن از آن گناه از من شرم كند . او را بيامرزم و آن گناه را از ياد فرشتگان نگهبان اعمال ببرم و آن را به نيكي بدل كنم و از اين كار مرا باكي نيست كه من مهربان ترين مهربانانم . » ( 4 )

زماني مي رسد كه ثروتمندان امّت من براي تفريح به حج مي روند ، و مردم عادي براي تجارت ، و قاريان آن ها براي خودنمايي و كسب عنوان و اعتبار ، و فقراي امت من براي تكدّي و گدايي به حج مشرف مي شوند

نكته قابل توجه اين كه ، حسن روي آوردن به توبه ، محدود به زمان و مكان خاصّي نيست ؛ توصيه پيشوايان معصوم ( عليهم السلام ) به گناهكاران اين است كه در انجام توبه شتاب كنند و از هرگونه تأخير در جهت تحقّق آن بپرهيزند .

علي ( عليه السلام ) فرمود : « إِنْ قَارَفْتَ سَيِّئَةً فَعَجِّلْ مَحْوَهَا بِالتَّوْبَةِ » ؛ ( 5 ) « هرگاه گناهي مرتكب شدي ، با توبه در محو آن شتاب كن . »

امام جواد ( عليه السلام ) نيز مي فرمايد : « تَأْخِيرُ التَّوْبَةِ اغْتِرَارٌ وَطُولُ التَّسْوِيفِ حَيْرَةٌ » ؛ ( 6 ) « به تأخير افكندن توبه فريب و غفلت است و امروز و فردا كردن مايه حيرت و سرگشتگي . »

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . شوري : 25 و فاطر : 82

2 . بقره : 222

3 . مجلسي ، محمدباقر ، بحارالأنوار ، ج6 ، ص21 ، چاپ دوم ، 1403ق . مؤسسة الوفاء ، بيروت ، لبنان .

4 . همان ، ص28

5 . همان ، ج74 ، ص208

6 . محمدي ري شهري ، محمد ، منتخب ميزان الحكمة ، ج1 ، ص172 ، ش999 ( ترجمه حميدرضا شيخي ) ، چاپ سوم ، 1383 ، سازمان چاپ و نشر دارالحديث ، قم .

43

البته از بررسي برخي آيات و روايات چنين برمي آيد كه : پاره اي از اين زمان ها و مكان ها ، بستر مناسبي براي عملي ساختن « توبه » است و نقش ارزنده اي در پذيرفته شدن آن دارد .

بي شك ، درك موسم حج و حضور در ميقات و ديگر مشاهد مشرّفه ، همچنين حالت ارزشمند محرم شدن و انجام طواف و غيره ؛ از بهترين فرصت ها براي روي آوردن مجرمان و گناهكاران به « توبه » است ؛ زيرا طبق فرموده امير مؤمنان ( عليه السلام ) : « وَأَدْنَي مَا يَرْجِعُ بِهِ مَنْ أَمَّهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا سَلَفَ » ؛ ( 1 ) « كمترين دستاوردي كه زائر از حج مي آورد اين است كه گناهانش آمرزيده شود . »

به طور يقين ، دست يابي به اين ارمغان ارزشمند ، مشروط به انجام توبه حقيقي از سوي حج گزاران است ؛ بنابراين ، ضروري است زائران از اين فرصت استثنايي و مناسب ، كه در اختيارشان نهاده شده ، بهره گيرند و از معاصي و گناهان پيشين خود پشيمان شوند و در صورت امكان ، در صدد جبران آن ها برآيند و در ادامه زندگي شان ، عزمشان را بر پرهيز از نافرماني پروردگار كريم قطعي كنند ؛ يعني تنها به رفتن به مكه و مدينه و پوشيدن لباس احرام و انجام ظاهري مناسك و حضور فيزيكي در مشاهد مشرّفه دل خوش نكنند . اين جا است كه مي بينيم پيامبر گرامي اسلام ( صلّي الله عليه وآله ) در فرازي از خطبه غدير ( 2 ) ـ كه آن را پس از بازگشت از حجة الوداع ، در سرزمين غديرخم ايراد نمودند ـ خطاب به مردم اين گونه فرمودند :

« مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّفَقُّهِ وَلاَ تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلاَّ بِتَوْبَة وَإِقْلاَع » . ( 3 )

« اي مردم ، با دين و فقه كامل حج بگزاريد و از مشاهد اين سفر برنگرديد مگر با توبه و كنده شدن از گناه . »

امام صادق ( عليه السلام ) نيز مي فرمايد :

« إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ . . . ثُمَّ اغْسِلْ بِمَاءِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ مِنَ الذُنُوبِ وَالْبَسْ كِسْوَةَ الصِّدْقِ وَالصَّفَا وَالْخُضُوعِ » . ( 4 )

« هنگامي كه قصد حج كردي ، با آب توبه خالص ، گناهانت را بشوي و لباس راستي و پاكي و خضوع و خشوع را بر تن كن . »

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . رهبر ، محمدتقي ، همراه با زائران خانه خدا ، صص38 و 39 ( مستدرك الوسايل ، ج8 ، ص15 ) ، چاپ دوم ، بهار 1375 ، نشر مشعر ، تهران .

2 . متن اين خطبه در كتاب « حج الأنبياء والأئمّة ( عليهم السلام ) ، حيدر خزرجي ، صص229 ـ 221 ( چاپ اول ، محرم 1416ق . نشر مشعر ، تهران ) ؛ از منابع مختلف حديثي شيعي و سنّي نقل گرديده است .

3 . همان ، ص223

4 . محمدي ري شهري ، محمد ، الحجّ والعمرة في الكتاب والسنّة ، صص234 و 235 ، چاپ چهارم ، 1384ق . دارالحديث للطّباعة والنشر ، قم .

44

3 ـ « حسن خلق » ( = خوش خويي )

خصلت زيباي « حسن خلق » ، از خصلت هاي نيك اجتماعي است كه تحسين همگان را به همراه دارد . هيچ فرد يا گروهي را نمي توان يافت كه از صاحب اين خوي شايسته ستايش نكند .

در كتب اخلاقي و غير آن ، آيات و روايات فراواني در جهت تمجيد از آن نقل گرديده است ؛ ( 1 ) براي نمونه ، برخي از آن ها را مرور مي كنيم :

\* پيامبر اسلام ( صلّي الله عليه وآله ) فرمود : « الإسْلامُ حُسْنُ الْخُلْقِ » ؛ ( 2 ) « اسلام ، خوشخويي است . »

\* در بيان ديگري فرمود : « حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ » ؛ ( 3 ) « خوي نيكو ، نصف دين است . »

\* از روايت ديگر نبوي چنين برمي آيد كه : « در سراي قيامت ، افرادي به جهت اخلاق نيكشان ، به درجاتي بزرگ و منزلتي والا دست مي يابند ؛ اگرچه در عبادت ضعيف و ناتوان باشند . » ( 4 )

\* در خبر ديگري ، از اميرمؤمنان ( عليه السلام ) چنين مي خوانيم : « حُسْنُ الْخُلْقِ رَأْسُ كُلِّ بِرٍّ » ؛ ( 5 ) « نيك خويي ، سرآمد همه نيكي هاست . »

\* در روايتي آمده است : « مردي به حضور پيامبر گرامي ( صلّي الله عليه وآله ) آمد و گفت : مرا توصيه اي فرماييد كه از آن بهره گيرم » ؛ از جمله سفارش هاي حضرت به آن شخص اين بود : « أَلْقِ أَخاكَ بِوَجْه مُنْبَسِط » ؛ ( 6 ) « با چهره گشاده با برادرت برخورد كن . »

از بررسي آيات و روايات وارده در باب « حُسن خُلق » ، چنين برمي آيد كه ضرورت پاي بندي به اين خصلت شايسته ، امري فراگير است و شامل تمام حوزه هاي حيات اجتماعي ( مانند : وطن ، سفر ، منزل ، بازار ، اداره و . . . ) مي شود ؛ منتها رعايت آن در سفر ، از اهميت بيشتري برخوردار است ؛ اين است كه در احوالات پيامبر گرامي ( صلّي الله عليه وآله ) آورده اند :

در يكي از سفرهايشان ( 7 ) فرمودند : « مَنْ كانَ يسيء الْجوار فَلا يُصاحبنا » ؛ ( 8 ) « كسي كه در مصاحبت و مجاورت ، بد عمل مي كند با ما همراه و همسفر نشود . »

به طور طبيعي ، در كنگره عظيم حج ( كه ملل مختلفي از جهان اسلام در آن حضور دارند و سالك اين سفر با مليت هاي گوناگوني مواجه و همراه مي شود ) ، پايبندي به « حسن خلق » ضروري تر خواهد بود . به خصوص كه قرآن كريم به طور صريح مي فرمايد :

{ . . . فَلا رَفَثَ وَلا فُسُوقَ وَلا جِدالَ فِي الْحَجِّ . . . } . ( 9 )

« سخنان زشت ، لغو ، فحش ، فسق ، فجور ، مراء و جدال در حج جايگاهي ( 10 ) ندارد . »

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . حرّ عاملي ، محمّد بن الحسن ، وسايل الشيعه ، ج8 ( دوره 20 جلدي ) ، صص510 ـ 503 ( چاپ دوم ، 1386ق . مكتبة الإسلامية ، تهران ) ، باب 104 « باب استحباب حسن الخلق مع الناس » ؛ در خلال اين صفحات ، تعداد 32 روايت در جهت فضيلت « حسن خلق » ذكر گرديد .

2 . محمدي ري شهري ، محمد ، منتخب ميزان الحكمة ج1 ، ص330 ، ش1932 ( ترجمه حميدرضا شيخي ) ، چاپ سوم ، 1383 ، سازمان چاپ و نشر دارالحديث ، قم .

3 . همان ، ش1933

4 . همان ، ش1937

5 . همان ، ش1935

6 . حرّ عاملي ، محمد بن الحسن ، وسايل الشيعه ، ج8 ، ص512 ، چاپ دوم ، 1386ق . مكتبة الإسلامية ، تهران .

7 . در كتاب « اخلاق و آداب در حج و زيارت » ، تأليف محمدتقي رهبر ، به نقل از مكارم الأخلاق ص288 آمده : « در يكي از سفرهايي كه به حج مي رفتند ، فرمودند : « من كان . . . » .

8 . رهبر ، محمدتقي ، همراه با زائران خانه خدا ، ص29 ( مستدرك سفينة البحار ، ماده « سفر » ، ص58 ) ، چاپ دوم ، بهار 1375 ، نشر مشعر ، تهران .

9 . بقره : 197

10 . جهت آشنايي بيشتر با تفسير واژه هاي مذكور در اين آيه ، به دو روايت منقول از امام صادق ( عليه السلام ) در كتاب « الحج والعمرة في الكتاب والسنّة » ، ص234 ، تأليف محمدي ري شهري ، محمد ( چاپ چهارم 1384ق . دارالحديث للطّباعة والنّشر ، قم ) مراجعه شود .

45

اين كلام نوراني پروردگار حاكي از آن است كه دستيابي حج گزار به ثواب و پاداش الهي ، مشروط به اين است كه در طول سفر حج ، فسق و فجور و جدالي از او سر نزند . اين است كه پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) مي فرمايد :

« مَنْ حَج الْبَيْتَ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ ، خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ » . ( 1 )

« كسي كه حج كند و مرتكب زشتي و فسق نگردد ، از گناهانش پاك شود ؛ چنان كه گويي از مادر متولد گرديده است . »

امام باقر ( عليه السلام ) نيز در اين باره مي فرمايد :

« مَا يُعْبَأُ بِمَنْ يَؤُمُّ هَذَا الْبَيْتَ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلاَثَ خِصَال : وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ ، وَحِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ ، وَحُسْنُ الصَّحابَةِ لِمَنْ صَحِبَهُ » . ( 2 )

« اعتنا نمي شود به كسي كه قصد خانه حق كرده ، در حالي كه در او سه خلصت نيست : ورعي كه او را از معاصي و گناهان بازدارد ، حلمي كه او را بر غضبش چيره سازد ، و رفتار خوش با كساني كه همسفر او هستند . »

نكته قابل ذكر اين كه : در كتب روايي ، در مورد تفسير حسن خلق و تعيين حد و مرز آن ، اخبار گوناگوني آمده است ؛ براي نمونه ، به نقل چند روايت بسنده مي كنيم :

آنگاه كه از امام صادق ( عليه السلام ) پرسيده شد : حدّ و معناي حسن خلق چيست ؟ آن بزرگوار در پاسخ فرمود :

« تُلِينُ جَانِبَكَ وَتُطِيبُ كَلاَمَكَ وَتَلْقَي أَخَاكَ بِبِشْر حَسَن » . ( 3 )

« حسن خلق اين است كه نرم خو و مهربان باشي ، گفتارت پاكيزه و مؤدّبانه باشد و با برادرت با خوشرويي برخورد كني . »

بي ترديد ، از مصاديق و مواردِ حسن خلق ، تحمّل كردن ناسازگاري همسفر است . در خبري از پيامبرخدا ( صلّي الله عليه وآله ) چنين مي خوانيم :

« مَا اصْطَحَبَ اثْنَانِ إِلاَّ كَانَ أَعْظَمُهُمَا أَجْراً وَأَحَبُّهُمَا إِلَي اللَّهِ أَرْفَقَهُمَا بِصَاحِبِهِ » . ( 4 )

« هرگاه دو نفر با يكديگر همسفر شدند ، آن كس كه با ديگري رفق و مدارا پيش گيرد ، نزد خدا محبوب تر و پاداشش عظيم تر است . »

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . رهبر ، محمدتقي ، اخلاق و آداب در حجّ و زيارت ، ص15 ( احياء العلوم ، ج1 ، ص246 ) ؛ چاپ اول ، پاييز 1377 ، نشر مشعر .

2 . محمدي ري شهري ، محمد ، الحجّ في الكتاب والسنة ، ص229 ، چاپ چهارم ، 1384ق . دارالحديث للطّباعة والنشر ، قم .

3 . محمدي ري شهري ، محمد ، منتخب ميزان الحكمة ، ج1 ، ص330 ، ش1944 ، ترجمه حميدرضا شيخي ، چاپ سوم ، 1383 ، سازمان چاپ و نشر دارالحديث ، قم .

4 . حرّ عاملي ، محمد بن الحسن ، وسايل الشيعه ، ج8 ، ص302 ، چاپ دوم ، 1386ق . مكتبة الإسلامية ، تهران .

46

4 ـ سخاوت و بخشندگي

در آموزه هاي وحياني ، خوي « سخاوت » و « بخشندگي » ، خصلتي شايسته و مهم شناخته شده است . در اهميت آن همين بس كه در پاره اي از روايات برجاي مانده از معصومين ( عليهم السلام ) ، از او به عنوان « خوي خداوند » و « خلق انبياي الهي » ياد شده است . پيامبر اعظم ( صلّي الله عليه وآله ) فرمود :

« السَّخاءُ خُلْقُ اللهِ اْلأَعْظَم » ؛ ( 1 ) « بخشندگي ، خوي بزرگ خداوند است . »

امام صادق ( عليه السلام ) نيز فرمود :

« السَّخاءُ مِنْ أَخْلاقِ اْلأَنْبِياءِ . . . » ؛ ( 2 ) « بخشندگي ، از اخلاق پيامبران است . . . . »

در كاوش هاي اجتماعي به اين نتيجه دست خواهيم يافت كه پاي بندي افراد به صفت نيك « سخاوت » ، موجب محبوبيت آنان در نزد ديگران و سبب آراستگي خُلق و خوي آنان خواهد شد ؛ امير مؤمنان ( عليه السلام ) در اين راستا مي فرمايد :

« السَّخاءُ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ وَيُزَيِّنُ اْلأَخْلاقَ » . ( 3 )

« بخشندگي ، درستي مي آورد و خلق خوي را مي آرايد . »

لازم به يادآوري است ، اگرچه سخيّ بودن در وطن همچون سخاوت در سفر ، عملي پسنديده به شمار مي آيد ، ليكن بي ترديد بروز اين خصلت در سفر ( كه غالباً با مشكلات همراه است ) امري پسنديده خواهد بود . اين جا است كه مي بينيم پيشوايان معصوم ( عليهم السلام ) سخاوت در سفر را از نشانه هاي مروت و جوانمردي دانسته اند . امام صادق ( عليه السلام ) مي فرمايد :

« إِنَّ مِنَ الْمُرُوءَةِ فِي السَّفَرِ كَثْرَةَ الزَّادِ وَطِيبَهُ وَبَذْلَهُ لِمَنْ كَانَ مَعَكَ » . ( 4 )

« از نشانه هاي جوانمردي در سفر ، توشه فراوان و مطبوع برداشتن و بذل و بخشش آن به همسفران است . »

از پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) نيز اين گونه نقل شده است كه :

« مِنْ شَرَفِ الرَّجُلِ أَنْ يُطَيِّبَ زَادَهُ إِذَا خَرَجَ فِي سَفَر » . ( 5 )

« از شرافت مرد آن است كه چون به سفر رود ، توشه خوب و پاكيزه بردارد . »

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . محمدي ري شهري ، محمد ، منتخب ميزان الحكمة ، ج1 ، ص484 ، ش2941 ، ترجمه حميدرضا شيخي ، چاپ سوم ، 1383 ، سازمان چاپ و انتشارات دارالحديث ، قم .

2 . همان ، ش2948

3 . همان ، ش2947

4 . حرّ عاملي ، محمد بن الحسن ، وسايل الشيعه ، ج8 ، ص310 ، چاپ دوم ، 1386ق . مكتبة الإسلامية ، تهران .

5 . همان .

47

در بخشي از سروده بلند « ابن اعثم ( = ابن اعسم ) كوفي » آمده است :

مِن شَرِفِ الإِنسانِ فِي الأَسفار \* \* \* تَطيبه الزّاد مَعَ الأكثار

وَلْيَدعُ عِنْدَ الْوَضْعِ لِلخوان \* \* \* مَْن كانَ حاضِراً مِنَ الإخوان ( 1 )

« از شرافت مرد در سفر اين است كه توشه مطبوع و فراوان بردارد ، چون آن را بر سفر مي نهد ، برادراني را كه حضور دارند دعوت كند . »

اگرچه سخيّ بودن در وطن همچون سخاوت در سفر ، عملي پسنديده به شمار مي آيد ، ليكن بي ترديد بروز اين خصلت در سفر ( كه غالباً با مشكلات همراه است ) امري پسنديده خواهد بود . اين جا است كه مي بينيم پيشوايان معصوم ( عليهم السلام ) سخاوت در سفر را از نشانه هاي مروت و جوانمردي دانسته اند

سخاوت و بخشندگي ، از توصيه هاي مهمّ اخلاقي پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) و امامان معصوم ( عليهم السلام ) به سالكان سفر عظيم حج و عمره است ، به طوري كه عمل ناپسند « اسراف » و ريخت و پاش ـ كه در ساير موارد زندگي امري نامشروع و از گناهان كبيره شمرده شده ـ در سفر الهي « حج » و « عمره » مورد ترغيب قرار گرفته و عملي شايسته دانسته شده است ( البته در حدّ معقول و مشروع و امكانات . گو اين كه افراد در طول اين سفر مهمّ مي بايست داراي طبعي بلند بوده و از خصلت زشت امساك و گدامنشي دوري جويند .

پيامبر اعظم ( صلّي الله عليه وآله ) مي فرمايد :

« مَا مِنْ نَفَقَة أَحَبَّ إِلَي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ نَفَقَةِ قَصْد وَيُبْغِضُ الْإِسْرَافَ إِلَّا فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَرَحِمَ اللَّهُ مُؤْمِناً اكْتَسَبَ طَيِّباً وَأَنْفَقَ مِنْ قَصْد أَوْ قَدَّمَ فَضْلاً » . ( 2 )

« پسنديده ترين نوع خرج كردن نزد خداوند ، اقتصاد و ميانه روي است و خدا از اسرافكاري بيزار است ، مگر در حج و عمره . خدا بيامرزد بنده اي را كه مال حلال و پاكيزه كسب كند و با رعايت اعتدال خرج كند و يا به ديگران بذل نمايد . »

در اوصاف امام چهارم ( صلّي الله عليه وآله ) آورده اند :

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . قمي ، شيخ عباس ، سفينة البحار ، ج2 ، صص657 و 658 ، ماده « سفر » ، تحقيق مجمع البحوث الإسلامية ، با اشراف علي اكبر الهي خراساني ، چاپ اول ، 1416ق . بنياد پژوهش هاي اسلامي آستان قدس رضوي ، مشهد .

2 . حرّ عاملي ، محمد بن الحسن ، وسايل الشيعه ، ج8 ، ص305 ، چاپ دوم ، 1386ق . مكتبة الإسلامية تهران .

48

« وَكَانَ يَقُولُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ لِقَهْرَمَانِهِ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَشْتَرِيَ لِي حَوَائِجَ الْحَجِّ ، اِشْتَرِ وَلاَ تُمَاكِسْ » . ( 1 )

« سيد الساجدين ( عليه السلام ) به مسؤول تداركات خود توصيه مي فرمود كه هرگاه مي خواهد لوازم و مايحتاج حج را خريداري كند ، در خريدن خشكي نكند . »

و نيز در احوالات آن حضرت آورده اند :

« هرگاه به قصد حجّ و عمره عازم مكه مي شدند ، از بهترين خوردني ها چون بادام ، شيريني ، قاووت ترش و شيرين همراه مي بردند . » ( 2 )

البته ، سفر زيارت امام حسين ( عليه السلام ) از اين مورد مستثني است . ( 3 )

پي نوشت ها

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . رهبر ، محمدتقي ، اخلاق و آداب در حج و زيارت ، صص106 و 107 ( مكارم الأخلاق . ص305 ) ، چاپ اول ، پاييز 1377 ، نشر مشعر ، تهران .

2 . حرّ عاملي ، محمد بن الحسن ، وسايل الشيعه ، ج8 ، ص310 ، چاپ دوم ، 1386ق . مكتبة الإسلامية ، تهران .

3 . همان ، ص305